



دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵ (پیاپی ۶)
صفحات ۱۱۱ تا ۱۳۰

تبیین جامعه‌شناسانه بازتاب جرم در مطبوعات

رؤیا آسیایی*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۹/۲)

چکیده

امروزه مطبوعات نقش مهمی در عرصه‌های عمومی داشته و برای بسیاری از مردم هنوز منبع اول خبری است. کارکرد رسانه‌ها در عصر اطلاعات بی‌شک در همه عرصه‌ها انکارناپذیر است. یکی از عرصه‌ها و ابعاد مهم فعالیت رسانه‌ها جمع‌آوری، تنظیم و انتشار اخبار جنایی است. آنها از این طریق گیرندگان و مخاطبان خود را از پدیده‌های مجرمانه آگاه نموده و دنیای شلوغ و پیچیده کنونی را برایشان روشن و قابل شناخت می‌نمایند. از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل محتوای جرایم در صفحه حوادث روزنامه‌های ایران، همشهری، شرق، جام جم، اطلاعات و کیهان در یک بازه زمانی یک ساله (نیمه دوم سال ۱۳۹۳ و نیمه اول سال ۱۳۹۴) است. انتخاب نمونه به این صورت بوده است که از هر ماه یک هفته آماری از شنبه تا پنجشنبه ساخته شد و از هر هفته سه روز به صورت تصادفی و منظم، جمعاً به مدت ۱۵۰ روز تعیین گردید. یافته‌های حاصل از مطالعات آماری در این پژوهش نشان می‌دهد که روزنامه ایران با ۲۰/۲۱ درصد بیشترین تعداد مطلب و اطلاعات با ۱۵/۰۷ درصد، کمترین مطالب مربوط به رویدادهای حوادث و جرایم را در دوره مورد بررسی داشته‌اند. بیشترین درصد بازتابی جرایم در مهر ماه ۹۳ با ۱۲،۸ درصد و کمترین میزان آن در مرداد ۹۴ با ۷،۸ درصد است. هم‌چنین بر اساس شاخص جنسیت، سهم مردان هم به عنوان فاعل جرم و هم به عنوان ابژه جرم، بیشتر از زنان است. تعداد و درصد فراوانی وجه برجسته شده رویداد جرایم در تیتر نیز نشان می‌دهد که وقوع جرم با ۳۳،۷۴ درصد، دستگیری مجرمان با ۲۳،۸۳ درصد و شناسایی و کشف با ۱۰،۹۹ درصد، به ترتیب بیشترین سهم را در تیترهای خبرهای جرایم دارند.

کلید واژگان

بازتاب رسانه‌ای جرم، تحلیل محتوا، مطالعه آماری، روزنامه، اخبار حوادث

مقدمه

کارکرد رسانه‌ها در عصر اطلاعات بی‌شک در همه عرصه‌ها انکارناپذیر است. یکی از عرصه‌ها و ابعاد مهم فعالیت رسانه‌ها جمع‌آوری، تنظیم و انتشار اخبار است. آنها از این طریق گیرندگان و مخاطبان خود را از رویدادهای گوناگون آگاه نموده و دنیای شلوغ و پیچیده کنونی را برایشان روشن و قابل شناخت می‌نمایند. از آنجاکه روزنامه‌ها محل ثبت رویدادها و مسائل روز جامعه هستند و به نوعی به ثبت وقایع و مسائل روز جامعه می‌پردازند، بررسی آنها می‌تواند به ترسیم مهم‌ترین وقایع یک دوره خاص کمک کند. مطبوعات و رسانه‌ها علاوه بر به کارگیری اصول خاصی در خبرنگاری از طریق نحوه انتشار و نشر آنها نیز زوایای خاصی از اخبار متفاوت را که متناسب با دیدگاه‌های آنهاست برجسته‌سازی نموده تا از این طریق برای اذهان گیرندگان و مخاطبان خود اولویت‌سازی کند.

در جامعه امروز اکثر پدیده‌های اجتماعی از طریق رسانه‌های گروهی معرفی و به نوعی بازتولید می‌شوند؛ به گونه‌ای که اگر امری در هیچ یک از انواع رسانه بازتاب نیابد، گویی وجود خارجی نداشته است. اخبار جنایی نیز از این امر مستثنی نیست. تولیدات اخبار مربوط به جرم در بستر جامعه نوعاً از طریق رسانه‌های گروهی معرفی و درک می‌شوند. اکثر مردم تجربه شخصی کمی در رابطه با جرم و جنایت دارند، از همین رو تصویر مردم در این خصوص بیش از هر چیز برگرفته از تصویری است که رسانه‌ها به نمایش می‌گذارند.

بنابراین، می‌توان گفت که اخبار جنایی در کنار اخبار سیاسی، اقتصادی و ... مخاطب خود را دارد و شهروندان از طریق اخبار و گزارش رسانه‌ها در جریان رویدادهای جنایی و نیز طرز کار و عملکرد عدالت‌کفیری قرار می‌گیرند. رسانه‌ها با توجه به دو معیار ویژگی‌های استثنایی یک رخداد جنایی (مانند یک قتل فجیع، تجاوز به عنف گروهی، کودک ربایی همراه با تجاوز و قتل) و موقعیت خاص اجتماعی مرتکب (مانند یک وزیر، یک ورزشکار مشهور) یا بزه دیده (مانند یک هنرپیشه مشهور، یک شخصیت سیاسی) دست به گزینش‌گری اخبار جنایی می‌زنند و با نحوه انعکاس آنها ممکن است در احساس امنیت و ترس از جرم شهروندان تأثیر بسزایی بگذارند؛ در حالی که، ممکن است آمار جنایی حکایت از افزایش فوق‌العاده نرخ بزهکاری به طور کلی و جرایم خشن، به طور خاص، نداشته باشد. به بیان دیگر، رسانه‌های گروهی به طور عام و مطبوعات به طور خاص، با انعکاس اخبار مربوط به جرایم می‌توانند بر احساس امنیت و ترس از جرم افراد جامعه تأثیری شگرف بگذارند و در نتیجه، نحوه نگرش افراد به واقعیات را سامان دهند. به بیان بهتر، رسانه‌ها مردم را به پیش‌داوری‌ها و تصویرهای یکنواخت عادت می‌دهند.

اصولاً رسانه‌های گروهی، مانند مطبوعات، جزو فرایندهای اجتماعی محسوب می‌شوند که به طور ملموس قادر به تغییر و دگرگونی وقایع هستند. آنها می‌توانند به سادگی از موضوعی محدود و غیرقابل اعتنا، سوژه‌ای بسیار مهم ساخته و افکار عمومی را نسبت به آن حساس کنند و از مسأله‌ای مهم، خبری خنثی بسازند. این توانایی منحصر به فرد می‌تواند یک پدیده مجرمانه پیش‌پا افتاده در سطح یک محله یا شهری کوچک را از طریق رسانه‌ها، به ویژه مطبوعات، به سرعت به واقعه‌ای ملی یا جهانی تبدیل کند. با توجه به این نقش شگرف، برخی جرم‌شناسان، رسانه‌های گروهی به ویژه مطبوعات را منبع اساسی نشر ناامنی یا احساس ناامنی می‌دانند. نبود احساس امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی دیگر و از همه مهم تر، به خطر افتادن نظم و انسجام اجتماعی در سطح جامعه شود. (لازرز، ۱۳۹۰، ۴۰)

محتوای روزنامه‌ها، انعکاسی از موضوعات و رویدادهای جاری جامعه است؛ جهت شناخت و فهم چپستی، چگونگی و چرایی حوادث و جرایم در جامعه انجام پژوهشی از این دست ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، با توجه به اینکه اثرات ضمنی یا آشکار و کوتاه‌مدت و دراز مدت محتوای رسانه‌ها بر مخاطبان در عمده نظریه‌های ارتباطی مفروض گرفته می‌شود، انجام این تحقیق می‌تواند آثار و پیامدهای نگرشی و احیاناً رفتاری انعکاس موضوعات و رویدادهای حوادث و جرایم در قالب خبر در روزنامه‌ها را پیش‌بینی کرده و نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران عرصه‌های آموزشی و تربیتی، حقوقی- قضایی و رسانه‌ای مفید و مثمر ثمر باشد.

با توجه به مطالب بیان شده، در این مقاله، پس از ارائه رویکردهای نظری موجود در این زمینه، با تحلیل محتوای کمی اخبار حوادث روزنامه همشهری، ایران، جام‌جم و شرق، تصویر انعکاس یافته از جرایم در این روزنامه‌ها شناسایی می‌شود. این‌گونه مطالعات نشان می‌دهد که روزنامه به عنوان یک رسانه فراگیر، چه نوعی از جرایم را با چه میزان و گستردگی و به چه کیفیتی پوشش خبری می‌دهد.

پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

الف) پرسش‌های تحقیق

۱. سهم هریک از روزنامه‌ها در انعکاس رویدادهای حوادث و جرایم چه میزان است؟
۲. سهم هریک از رویدادهای "حوادث" و "جرایم" در روزنامه‌های مورد بررسی چه میزان است؟
۳. سهم هریک از انواع حوادث (اعم از طبیعی و انسانی) چه میزان است؟
۴. کدام وجوه رویدادهای طبیعی و انسانی در تیتراخ اخبار حوادث برجسته شده است؟
۵. سهم هریک از پیامدهای طبیعی و انسانی در اخبار روزنامه‌ها چه میزان است؟

ب) فرضیه ها

۱. بین محل رویداد و محتوای رویداد رابطه وجود دارد.
۲. بین عکس در مطلب و محتوای رویداد رابطه وجود دارد.
۳. بین ارزش یا ارزش‌های خبری در تیتیر یا محتوای رویداد رابطه وجود دارد.
۴. بین جایگاه تیتیر در صفحه و محتوای رویداد رابطه وجود دارد.
۵. بین جنسیت عامل یا عاملان جرم و نوع قاچاق رابطه وجود دارد.

مبانی نظری: بازنمایی پدیده‌های مجرمانه در رسانه‌های گروهی

تحلیل محتوای رسانه‌های گروهی در خصوص پدیده مجرمانه از دو منظر قابل توجه است: نخست میزان و سطح پوشش اطلاعات عدالت کیفری در رسانه‌های گروهی و در گام بعد، توجه به کیفیت بازنمایی پدیده مجرمانه در رسانه‌های گروهی. به دیگر سخن در ابتدا باید ببینیم که رسانه‌های گروهی چه حجمی از فضای خود را به مباحث مرتبط با عدالت کیفری اختصاص می‌دهند و در گام بعد لازم است بررسی شود که جرایم پوشش داده شده دارای چه ویژگی‌هایی هستند.

کمیت بازنمایی در رسانه‌های گروهی

اطلاعات مربوط به جرم همواره بخش مهمی از محتوای تمامی رسانه‌های جمعی را به خود اختصاص داده است. بسیاری از مطالعات در مورد این مسأله بوده است که چه حجمی از محتوای رسانه شامل تصویری مربوط به پدیده مجرمانه بوده و گاه این مسأله به صورت مقایسه‌ای میان رسانه‌ها در دوره‌های زمانی مختلف صورت گرفته است.

البته درصدی از محتوای رسانه که با موضوعات مربوط به جرم پُر می‌شود به معنایی که از واژه «جرم» مستفاد می‌شود، بستگی دارد. برخی پژوهش‌های تحلیل محتوا، بررسی خود را روی پدیده مجرمانه متمرکز می‌کنند. به دیگر سخن، برخی از پژوهشگران به بررسی میزان بازتاب جرم و انحراف در رسانه‌های گروهی می‌پردازند.

انحراف یا کج‌روی در حقیقت یک مفهوم جامعه‌شناختی است و در حقوق کیفری جایگاهی ندارد؛ از نظر جامعه‌شناسی انحراف رفتار مجرمانه نیست، بلکه رفتار خلاف عرف گروه است و از آنجا که جامعه خود، متشکل از گروه‌های مختلف و با هنجارهای متفاوت است، انحراف هم مفهوم نسبی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ص ۳۵). بدیهی است، اگر این تعریف موسع از جرم (جرم به معنای پدیده مجرمانه) را در پژوهش‌های تحلیل محتوا دخیل کنیم، میزان یافته‌ها افزایش چشمگیری خواهد داشت. در میان پژوهش‌های مربوط به تحلیل محتوای اخبار کیفری، شاید ریچارد اریکسون

گسترده‌ترین تعریف از پدیده مجرمانه را در کار خود لحاظ کرده باشد (Ericson et al, 1991, 49-219). موضوع پژوهش وی پدیده مجرمانه بوده است. آنها به دنبال پاسخ این پرسش اساسی بوده‌اند که اصحاب رسانه چگونه در تعریف کردن و شکل دادن به پدیده مجرمانه مشارکت می‌کنند. جای تعجب نیست که با این نگاه وسیع، اریکسون و همکاران به یکی از بالاترین میزان‌های تخمین در خصوص اخبار جنایی، دست یافتند. بر اساس محاسبه آنها، میزان اطلاعاتی که تحت عنوان انحراف و جرم قرار می‌گرفتند، رقمی حدود 45/3 درصد در روزنامه‌های معتبر، 47/5 درصد در روزنامه‌های عادی، 60 درصد در شبکه‌های رادیویی پُر شنونده و 64/2 درصد در شبکه‌های رادیویی عادی را به خود اختصاص می‌دادند (همان، ص 234-42). بنابراین، هم نوع رسانه و هم میزان مقبولیت آن بر درصد اخبار مربوط به انحراف تأثیر دارد.

برای نمونه، در این پژوهش به جای متمرکز شدن به خشونت در جرایم علیه اشخاص، خشونت دولتی و تروریسم دولتی نیز مورد محاسبه قرار گرفته است. همچنین خطرات ناشی از تصادفات رانندگی و محیط‌های ناامن کاری نیز در این پژوهش لحاظ شده است. اریکسون و همکارانش، مفهوم وسیعی از انحراف «اقتصادی» را نیز پذیرفتند. این پدیده، نه تنها شامل جرائم علیه اموال و مالکیت است، بلکه فعالیت‌های سؤال برانگیز تجاری، مناقشات حقوقی در مورد اموال و مسایل اجتماعی مرتبط با مشکلات اقتصادی را نیز در برمی‌گیرد (مگوایر و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۲۷۶).

اغلب تحلیل‌های محتوایی مربوط به نمایش رسانه‌ای جرم بر مفهوم مضیق آن، و نه مفهوم موسع جامعه‌شناختی انحراف و پدیده مجرمانه که از سوی اریکسون و همکاران بیان گردید، تکیه دارند. با این وجود، حدس‌های موجود در خصوص دامنه ماجراهای جنایی بر اساس تعاریف دقیقی که در این زمینه انتخاب می‌شوند، متفاوتند. برخی مطالعات فقط به بررسی اخبار جرایم واقعی می‌پردازند، اما برخی دیگر، مواردی همچون داستان‌ها، مقالات یا نوشته‌های مربوط به وضعیت عمومی جرم، عدالت کیفری و نقض حقوق کیفری در ارتباط با منازعات سیاسی و اجتماعی، مانند تروریسم، را مورد توجه قرار می‌دهند. به دلیل همین تفاوت‌هاست که تخمین درصد کل اخبار پوشش‌دهنده جرم در تحقیق‌های مختلف از ۵ تا ۲۵ درصد در نوسان است.

افزودنی است میزان اخبار عدالت کیفری در رسانه، به صورت مستقیم با نوع رسانه در ارتباط است و رسانه‌ها و مطبوعات زرد، حجم بیشتری از اطلاعات عدالت کیفری را منتشر می‌کنند. برای نمونه، روزنامه نیویورک تایمز ۷ درصد از فضای خود را به مطالب مربوط به جرم اختصاص می‌دهد، در حالی که این رقم در دیلی نیوز بیش از ۲۸ درصد می‌شود (Deuschmann, 1959, 11). همین مسئله، در پژوهش‌های انجام شده در انگلیس مورد تأیید قرار گرفته است: در انگلستان پایین‌ترین درصد اخبار جرم به روزنامه گاردین با 5/1 و بالاترین آن مربوط به روزنامه سان با 30/4 درصد است (همان: ص ۴۲). در مطالعه روزنامه‌های ملی انگلستان، درصد اختصاص‌یافته به اخبار جرم بر اساس نوع

روزنامه، متغیر بود. در سپتامبر سال ۱۹۶۷، درصد اخبار جرم ارقامی معادل 5/6 درصد در دیلی میروز، 4/4 درصد در دیلی اکسپرس و 2/4 درصد در دیلی تلگراف را نشان داد (Roshier, 1973, 23). مطالعات جدیدتر، نسبت‌های بالاتری از موضوعات مرتبط با جرم را در اغلب رسانه‌ها نشان می‌دهند. (MacLatchie, 1987, 157) به هر حال، در سال‌های اخیر علاقه رسانه‌های گروهی به اخبار جنایی به شدت افزایش یافته است. بررسی اخبار حوادث یکی از روزنامه‌های کانادا مبین آن است که انعکاس اخبار حوادث در خلال سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸، ۳۷ درصد رشد داشته است (همان). از این رهگذر، خانم گرابر به مطالعه اخبار مربوط به جرم در سال ۱۹۷۶ در سه شبکه تلویزیونی، دو برنامه تلویزیونی محلی و سه روزنامه شیکاگو پرداخت. او دریافت که عناوین مرتبط با جرم و عدالت، ۲۲ تا ۲۸ درصد موضوعات روزنامه‌ها، ۲۰ درصد موضوعات اخبار تلویزیون‌های محلی و ۱۲ تا ۱۳ درصد اخبار شبکه‌های تلویزیونی ملی را به خود اختصاص می‌داد. (Graber, 1980, 24) وجود درصد بالاتر از اخبار مربوط به جرم، الزاماً بازتابی از تغییر در طول زمان نیست، زیرا در این تحقیق از طبقه‌بندی گسترده‌تری از ماجراهای جنایی نسبت به مطالعات قبلی، دشمن یادداشت سردبیر، نامه به سردبیر و موضوعات مرتبط با عدالت کیفری یا جرم سیاسی و همچنین گزارش‌های مربوط به حوادث جنایی خاص، مورد محاسبه قرار گرفته است (همان).

با توجه به پژوهش‌های مختلف مطالعاتی که با دامنه‌ای بسیار متفاوت در مورد مفاهیم مربوط به جرم صورت گرفته و همچنین انجام پژوهش‌ها در روزنامه‌ها و رسانه‌های گوناگون، نمی‌توان نتیجه گرفت که افزایش میزان اخبار مربوط به جرم از روند خاصی پیروی می‌کند یا خیر. اگرچه مطالعات بعدی، میزان بیشتری از وقایع و ماجراهای جنایی را نسبت به قبل گزارش می‌دهند، اما تعاریف جرم در این تحقیقات دستخوش تغییر شده و شاید افزایش یاد شده، بیش از آنکه بازتابی از تغییر در رسانه‌ها تلقی شود، محصول روش‌های اندازه‌گیری باشد (مگواپر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸۰). از سوی دیگر، برخی محققین میزان پوشش اخبار جنایی در رسانه‌ها در بازه‌های زمانی طولانی را بررسی کرده‌اند (Aleen, 1997, 13). این پژوهش‌ها از ایراد روش‌شناختی فوق‌مبری بوده و در عین حال بیانگر افزایش پوشش اخبار جنایی در گذر زمان هستند. به عنوان نمونه یک پژوهش داده‌هایی را از «دیلی میرر» و «تایمز» در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ مورد بررسی قرار داده است. در روزنامه «دیلی میرر»، این میزان در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۵، عدد ۹ درصد را نشان می‌دهد در حالی که این رقم برای روزنامه «تایمز» ۷ درصد است. این ارقام در فاصله سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ به ۲۱ درصد در هر دو روزنامه بالغ شد.

بطور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که تخمین‌های مربوط به گستره اخبار مرتبط با جرم، ربطی وسیع با تعاریفی دارند که از سوی محققان مختلف پذیرفته شده‌اند. با این وجود، ماجراهای مربوط

به ارتکاب جرایم خاص در اخبار «عامیانه‌تر»، رایج‌تر است و درصد اخبار مربوط و جرم و حتی مربوط به عدالت کیفری در طی ۵۰ سال گذشته، افزایش یافته است.

کیفیت بازنمایی پدیده مجرمانه در رسانه‌های گروهی

میزان بازنمایی پدیده مجرمانه در رسانه‌های گروهی نیست که چالش می‌آفریند، بلکه کیفیت این بازنمایی و نحوه چینش اخبار حوزه عدالت کیفری است که مسبب آثار سوء چون ترس از جرم دانسته می‌شود. البته، پژوهش‌های تحلیل محتوا، الگوی رسانه‌ای جرم را با آمارهای رسمی جرم مقایسه می‌کنند و در این کار ناخواسته اطلاعات بیان شده در آمار رسمی را بدون هیچ تردیدی پذیرفته و صحت آنها را مفروض می‌انگارند. آمار رسمی در این پژوهش‌ها بیانگر دنیای واقعی جرائم و اطلاعات حاصل از تحلیل محتوا بیانگر دنیای رسانه‌ای جرم تلقی می‌شوند. این پژوهش‌ها نوعاً به چالش‌ها فراوان آمار رسمی جرم، نظیر آمار سیاه بزهکاری و بزه‌دیدگی گزارش نشده، توجهی ندارند (همان).

معمولاً فرضیه‌ای ضمنی در این پژوهش به چشم می‌خورد که بر اساس آن، وجود شکاف میان ارائه رسانه‌ای جرم و واقعیت برملا شده از سوی آمار رسمی، مشکل آفرین است. اغلب اوقات، رسانه‌ها متهم به بزرگ‌نمایی خطرات جرم و ارائه تصویری وحشتناک و بد از دنیا هستند (Carlson, 1985, 24). همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، این امر یکی از عوامل ایجاد ترس از جرم دانسته می‌شود (Sparks, 1992, 9)، افزون بر این، چنین ادعا می‌شود که تأکید بیش از اندازه رسانه‌ها بر خطر جرم، حمایت اساسی برای ارائه راه‌حل‌های اقتدارگرایانه در مقابل بحران نظم و قانون که عمدتاً ساخته و پرداخته ارائه نادرست رسانه‌ای است را فراهم می‌آورد (Stuart, 1978, 61).

با توجه به گستردگی و فراوانی پژوهش‌های تحلیل محتوا امکان نقل یافته‌های تمام این پژوهش‌ها در این مقاله ممکن نیست. در این میان ذکر یافته‌های تحقیقی که به بررسی ۳۶ تحلیل محتوا از اخبار جنایی که در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۸ در آمریکا منتشر شده بودند و ۲۰ تحقیق در ۱۴ کشور دیگر در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۷ انتشار پیدا کرده بودند، خالی از فایده نخواهد بود. در تمامی این تحقیقات نمایش بیش از اندازه خشونت و جرایم علیه اشخاص در مقایسه با آمار رسمی و پرداختن کمتر از حد معمول به جرایم علیه اموال مورد اشاره واقع شده بود. در آمریکا، نسبت جرایم خشونت‌بار به جرایم علیه اموال ۸ به ۲ بود، در حالی که به موجب آمار رسمی نسبت جرایم علیه اموال به جرایم خشونت‌بار را چیزی بیش از ۹ به ۱ در طی دوره تحقیق نشان می‌داد. الگویی مشابه در تحلیل محتواهای انجام شده مربوط به کشورهای دیگر نیز به چشم می‌خورد (همان، صص 74-75).

مطالعات انگلیسی انجام گرفته در دهه ۱۹۹۰، حکایت از الگویی مشابه در نمایش بیش از اندازه خشونت و جرایم علیه اشخاص (به ویژه جرایم جنسی) داشت. این تمایل از برخی جهات در حال

فزونی است. در فاصله سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۵، شمار دادرسی‌های مرتبط با تجاوز به عنف، نزدیک به ۴ برابر افزایش یافت و از ۱۱۹ مورد به ۴۵۰ مورد بالغ گردید. در همین مدت، تعداد تجاوزهای گزارش شده در نشریات به بیش از ۵ برابر افزایش یافت و از ۲۸ مورد به ۱۵۴ مورد رسید. در سال ۱۹۸۵، درصد موارد گزارش شده از تجاوز به عنف از 23/5 درصد در سال ۱۹۵۱ به 34/2 درصد رسیده بود (soothil et al, 1991, 20-22). نکته شایان توجه آن است که روزنامه‌ها و رسانه‌های زرد نه تنها میزان بیشتری از جرایم را پوشش می‌دهند، بلکه میزان پوشش جرایم خشونت‌بار در این دسته از رسانه‌ها در مقایسه با رسانه‌های با کیفیت میزان بالاتری را نشان می‌دهد. در حالی که، روزنامه ایندیپندنت، گاردین و تایمز، ۳ تا ۴ درصد از فضای خبری خود را به جرایم خشونت‌بار اختصاص می‌دادند، این میزان در روزنامه‌های سان و استار به بیش از ۱۹ درصد می‌رسید (همان).

عدم وجود رابطه منطقی میان جرایم واقعی و جرایم بازتاب داده شده در رسانه حتی در محدوده جرایم خشونت‌بار (که بیشترین میزان انتشار را به خود اختصاص می‌دهد) هم به چشم می‌خورد. در تحقیقی جدید، بیش از ۴۰ درصد موارد موجود در اخبار مربوط در تمامی شبکه‌های رادیویی بی.بی.سی به مرگ و قتل مربوط می‌شد (Cumberbatch et al, 1995, 25).

پیامد غیرمستقیم دیگر از الگوی جرایم گزارش شده از سوی رسانه‌ها، بزرگ‌نمایی موفقیت پلیس در حل مسئله جرم است (peter, 2010, 175)، که این امر تا حد زیادی به وابستگی رسانه‌ها به پلیس در کسب اطلاعات در خصوص جرائم دارد. به هر حال، در جمع‌بندی حدود ۵۶ مورد تحلیل محتوا از ۵۰ کشور مختلف در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۸، اکثر ماجراهای جنایی خشونت‌بار به نفع پلیس تمام شده بود. علت این امر را می‌توان در موفقیت بیشتر پلیس در حل جرایم خشونت‌بار در مقایسه با جرایم علیه اموال و مالکیت جستجو کرد به موجب پژوهش‌های تحلیل محتوا تبعیض قومی، جنسیتی و فرهنگی در بازتاب اطلاعات عدالت کیفری در رسانه‌ها کاملاً مشهود است. بزهداران بازنمایی شده در رسانه نوعاً مسن‌تر و دارای موقعیتی بالاتر از آنهایی هستند که عملاً در دستگاه عدالت کیفری تحت تعقیب قرار می‌گرفتند (Graber, 1980, 45). همچنین به موجب یافته‌های اکثر پژوهش‌ها، جرایم اقلیت‌های قومی با اقبال بیشتری در رسانه‌های گروهی مواجه است. همچنین، بخش‌های خبری، در مورد بزه‌دیده واقع شدن سفیدپوستان بزرگسال اغراق می‌کنند و در خصوص تبعیض جنسیتی نیز نتیجه از پیش معلوم است: اغلب، جنسیت بزهداران رسانه‌ای، مرد است.

مطالعات تحلیل محتوا بیانگر آن است که رسانه‌های گروهی اغلب به بیان ماجرا تمایل دارند تا تحلیل الگوهای جرم یا دلایل وقوع جرم، در جمع‌بندی یکی از تحقیقات این حوزه، چنین نتیجه‌گیری شده بود که ماجراهای مربوط به جرایم در روزنامه‌ها، اساساً شامل بحثی مختصر در مورد حوادثی جدا از یکدیگر با اندکی جزئیات و پیشینه‌ای کم در خصوص آن حوادث می‌باشد. در

واقع رسانه‌ها تلاش‌های بسیار اندکی برای بحث در خصوص دلایل وقوع یا راه‌های پیشگیری از جرم به عمل می‌آورند.

روش‌شناسی

روش تحقیق

این تحقیق با روش تحلیل محتوا بر روی اخبار حوادث و جرایم ۶ روزنامه روزانه کشور در دوره زمانی شش ماهه دوم سال ۹۳ و شش ماهه اول سال ۹۴ به مدت یک سال انجام گرفته است.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه خبرهای مربوط به حوادث اعم از طبیعی و انسانی و جرایم اجتماعی به مدت یک سال (شش ماهه دوم سال ۹۳ و شش ماهه اول ۹۴) در ۶ روزنامه روزانه کشور شامل ایران، همشهری، شرق و جام جم، اطلاعات و کیهان می‌باشد. دلیل انتخاب روزنامه‌های فوق الذکر از آن جهت است که بنابر نتایج حاصل از نظرسنجی از شهروندان شهر تهران که به سفارش معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد انجام پذیرفته، الگوی مصرف و میزان استفاده افراد از مطبوعات در شهر تهران به ترتیب روزنامه‌های همشهری، ایران، جام جم، کیهان، اطلاعات و شرق در صدر علاقه‌مندی‌های مردم تهران هستند و روزنامه‌ها بعد از رسانه ملی و پایگاه‌های اینترنتی رتبه سوم اعتماد مردم را به خود اختصاص داده است.

شیوه نمونه‌گیری و واحد تحلیل

انتخاب نمونه به این صورت بوده است که از هر ماه یک هفته آماری از شنبه تا پنجشنبه ساخته شد و از هر هفته سه روز به صورت تصادفی و منظم جمعاً به مدت ۱۵۰ روز تعیین گردید. واحد تحلیل در این مقاله کل متن (شامل رو تیتزر، تیتزر، لید و متن همراه عکس) است.

نحوه محاسبه ضریب قابلیت اعتماد (پایایی)

برای محاسبه پایایی این پژوهش از روش اسکات استفاده شد. از آنجا که در این روش تعداد زیر مقوله‌ها در اندازه ضریب تأثیر دارد، نسبت به سایر روش‌ها قابل اعتمادتر است. در این تحقیق بعد از کدگذاری مرحله اول از میان ۵۹۳۶ مطلب خبری کدگذاری شده، تعداد ۵۹۵ مطلب یعنی ۱۰ درصد مطالب انتخاب و بوسیله کدگذار دوم مجدداً کدگذاری شد و سپس درصد توافق بین دو کدگذار که همان درصد توافق مشاهده شده است، محاسبه گردید و درصد توافق مورد انتظار نیز از

مجذور درصدهای زیر مقوله به دست آمد. با قرار دادن درصدهای توافق مشاهده شده و مورد انتظار در فرمول اسکات، ضریب پایایی برای هر متغیر به دست می‌آید. فرمول اسکات به روش زیر است:

$$H = \frac{PO - PE}{1 - PE}$$

در این فرمول، PO درصد توافق مشاهده شده و PE درصد توافق مورد انتظار است. بعد از محاسبه قابلیت اعتماد برای ۲۰ متغیر، میانگین ضرایب مساوی ۹۷ درصد بود و با توجه به ضریب به دست آمده می‌توان گفت کدگذاری این تحقیق به میزان بالایی دارای پایایی است و به عبارتی از ضریب قابلیت اعتمادی زیادی برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

این قسمت که به بررسی یافته‌های تحقیق اختصاص دارد، ابتدا به توصیف داده‌ها و جداول یک بعدی و سپس به جداول دو بعدی و تقاطع بین متغیرها می‌پردازد. لازم به یادآوری است که در توضیح جداول و متغیرها تا آنجا که مقدور بود، اصل مختصرنویسی رعایت شد. ضمناً معیار اندازه‌گیری کمی برجستگی گزارش‌های جرم از طریق مقایسه نسبت صفحه اختصاص داده شده به گزارشات جرم با نسبت صفحه اختصاص داده شده به کل گزارشات دیگر به دست می‌آید. این امر از طریق فرمول زیر محاسبه گردید:

میانگین مساحت گزارشات جرم

میانگین مساحت کل گزارشات دیگر

میانگین مساحت صفحه

میانگین مساحت صفحه

تحلیل این فرمول عبارت است از: گزارش جرم (هرچه گزارش بزرگ‌تر باشد، به نظر برجسته می‌رسد) و اندازه صفحه (هرچه صفحه کوچک‌تر باشد گزارش برجسته‌تر به نظر می‌رسد) (Williams et al, 1993, 38).

جداول یک بعدی توصیف داده‌ها و جداول دو بعدی، آزمون معناداری تفاوت بین متغیرها است.

جدول شماره ۱. تعداد و درصد فراوانی مطالب روزنامه

نام روزنامه	تعداد	درصد
ایران	۱۲۰۰	۲۰/۲۱
شرق	۹۸۰	۱۶/۵۰
جام جم	۹۶۰	۱۶/۱۶
همشهری	۹۲۰	۱۵/۴۹

۱۵/۸۳	۹۴۰	کیهان
۱۵/۰۷	۹۳۷	اطلاعات
۱۰۰	۵۹۳۷	جمع

بر اساس جدول شماره ۱ (تعداد و درصد فراوانی مطالب) روزنامه ایران با ۲۰/۲۱ درصد بیشترین تعداد مطلب و پس از آن شرق با ۱۶/۵۰ درصد و پس از آن جام جم با ۱۶/۱۶ درصد و کیهان با ۱۵/۸۳ درصد و همشهری با ۱۵/۴۹ درصد و اطلاعات با ۱۵/۰۷ درصد مطالب مربوط به رویدادهای حوادث و جرایم را در دوره مورد بررسی داشته‌اند.

جدول شماره ۲. تعداد و درصد فراوانی تاریخ انتشار مطالب روزنامه ها

تاریخ انتشار	تعداد	درصد
مهر ۹۳	۷۳۲	۱۲,۸
ابان ۹۳	۴۸۵	۷,۷
آذر ۹۳	۷۲۵	۱۲,۲
دی ۹۳	۳۹۹	۶,۷
بهمن ۹۳	۳۷۳	۶,۳
اسفند ۹۳	۴۵۷	۷,۷
فروردین ۹۴	۴۳۱	۸,۳
اردیبهشت ۹۴	۵۶۳	۹,۵
خرداد ۹۴	۴۳۰	۷,۲
تیر ۹۴	۵۰۸	۸,۶
مرداد ۹۴	۴۶۴	۷,۸
شهریور ۹۴	۳۶۷	۶,۲
جمع	۵۹۳۷	۱۰۰

همان گونه که در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد ۱۲,۸ درصد مطالب رویدادهای حوادث و جرایم در مهرماه ۹۳، ۱۲,۲ درصد در آذر ماه ۹۳ و ۹,۵ درصد در اردیبهشت ۹۴ و ۸,۶ درصد در تیرماه ۹۴ و ۷,۸ درصد در مرداد ۹۴ منتشر شده است.

جدول شماره ۳. تعداد و درصد فراوانی جنسیت عامل یا عاملان جرم

جنسیت عامل یا عاملان جرم	تعداد	درصد
مذکر	۳۳۸۰	۷۳,۴۳
مؤنث	۳۰۷	۶,۶۶
مذکر و مؤنث	۲۱۶	۴,۶۹
نامشخص	۷۰۰	۱۵,۲۰
جمع	۴۶۰۳	۱۰۰

جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد که از مجموع ۴ هزار و ۶۰۳ خبر مربوط به انواع جرایم در روزنامه‌ها، مردان با ۷۳,۴۳ درصد، بیشترین سهم و زنان با ۶,۶۶ درصد، کمترین سهم را به عنوان عامل ارتکاب جرم دارا هستند.

جدول شماره ۴. تعداد و درصد فراوانی جنسیت ابژه جرم

جنسیت ابژه جرم	تعداد	درصد
مذکر	۱۷۱۴	۳۷,۲۵
مؤنث	۹۴۷	۲۰,۵۸
مذکر و مؤنث	۱۷۸	۳,۸۶
نامشخص	۱۷۶۲	۳۸,۲۹
جمع	۴۶۰۱	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۱۴، سهم مردان به عنوان ابژه جرم، ۳۷,۲۵ درصد و سهم زنان از این لحاظ، ۲۰,۵۸ درصد است. داده‌های جداول شماره ۴ نشان می‌دهد که سهم مردان به عنوان ابژه جرم، بیشتر از زنان است.

جدول شماره ۵. تعداد و درصد فراوانی وجه برجسته شده رویداد جرایم در تیتراژ

وجه برجسته شده رویداد مربوط به جرایم در تیتراژ	تعداد	درصد
وقوع جرم	۱۵۵۴	۳۳,۷۴
شکایت و دادرسی	۱۵۸	۳,۴۳
بررسی و اقدام انتظامی	۱۸۱	۳,۹۳
دستگیری	۱۰۹۷	۲۳,۸۳

۴,۵۸	۲۱۱	اعتراف
۵,۳۸	۲۴۸	محاکمه
۸,۷۱	۴۰۱	صدور حکم
۱۰,۹۹	۵۰۶	شناسایی و کشف
۰,۷۳	۳۴	درگیری و هلاکت
۳,۹۱	۱۸۰	اظهار نظر
۰,۷۱	۳۳	سایر
۱۰۰	۴۶۰۳	جمع

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که از مجموع ۴۶۰۳ خبر مربوط به جرایم در روزنامه‌ها وقوع جرم با ۳۳,۷۴ درصد، دستگیری مجرمان با ۲۳,۸۳ درصد و شناسایی و کشف با ۱۰,۹۹ درصد، به ترتیب بیشترین سهم را در تیترهای خبرهای جرایم دارند. تیترهای خبری مربوط به درگیری و هلاکت با ۰,۷۳ درصد کمترین سهم را دارند.

جدول شماره ۶. تعداد و درصد فراوانی نوع حکم صادره برای جرایم

درصد	تعداد	نوع حکم صادره برای جرایم
۱۰,۴۲	۴۲	تبرئه
۱۶,۷۸	۶۸	زندان یا بازداشت موقت
۳,۷۲	۱۵	جریمه
۰,۹۹	۴	شلاق
۶۲,۶۸	۲۵۱	اعدام
۲,۹۷	۱۲	زندان + جریمه
۲,۷۲	۱۱	سایر
۱۰۰	۴۰۳	جمع

بر اساس جدول شماره ۶، از مجموع ۴۰۳ تیتر خبری حاوی احکام صادره برای انواع جرایم، تیترهای مربوط به حکم اعدام با ۶۲,۲۸ درصد و زندان یا بازداشت موقت با ۱۶,۸۷ درصد، بیشترین سهم و تیترهای حاوی حکم شلاق با ۰,۹۹ درصد و زندان + جریمه با ۲,۹۷ درصد به ترتیب کمترین سهم را دارا هستند.

جدول شماره ۷. تعداد و درصد فراوانی محدوده جرم

درصد	تعداد	محدوده جرم
۱۴,۰۱	۶۴۵	خانوادگی (فاعل و ابژه جرم)
۴,۴۳	۲۰۴	خانوادگی (فاعل جرم چند نفر)
۲,۶۷	۱۲۳	خانوادگی (ابژه جرم چند نفر)
۷۸,۷۸	۳۶۲۹	غیر خانوادگی
۱۰۰	۴۶۰۱	جمع

جدول شماره ۱۷ (تعداد و درصد فراوانی محدوده جرم) نشان می‌دهد که از مجموع ۴۶۰۱ خبر مربوط به انواع جرایم در روزنامه‌ها، ۱۴,۰۱ درصد جرایم خانوادگی بوده؛ به این معنا که به فاعل یا فاعلان و ابژه و یا ابژه‌های جرم، از یک خانواده بوده‌اند. در ۴,۴۳ درصد جرایم، فاعل جرم از یک خانواده و در ۲,۶۷ درصد از جرایم، ابژه جرم از یک خانواده بوده‌اند. چنانکه جدول نشان می‌دهد ۷۸,۸۷ درصد جرایم غیر خانوادگی بوده است.

جدول شماره ۸. تعداد و درصد فراوانی خبرسازان در تیتراژ (خبرهای جرایم)

درصد	تعداد	خبر سازان در تیتراژ (خبرهای جرایم)
۴۸,۴۷	۲۲۳۱	عامل یا عاملان جرم
۱۴,۵۳	۶۶۹	ابژه جرم
۷,۴۳	۳۴۲	عامل + ابژه
۱۹,۷۳	۹۰۸	نیروی انتظامی
۶,۴۱	۲۹۵	مقامات و محاکم قضایی
۱,۵۲	۷۰	سایر
۱,۸۹	۸۷	نامشخص
۱۰۰	۴۶۰۲	جمع

بر اساس جدول شماره ۸، از مجموع ۴۶۰۲ خبر جرایم در روزنامه‌های بررسی، در ۴۸,۴۷ درصد تیتراژهای این خبرها، خبرسازان عامل یا عاملان جرم بوده‌اند. پس از آن، نیروی انتظامی با ۱۹,۷۳ درصد در ردیف بعدی قرار دارد. سهم مقامات و محاکم قضایی از این لحاظ ۶,۴۱ درصد است.

جدول شماره ۹. تعداد و درصد فراوانی محل رویداد

محل رویداد	تعداد	درصد
داخل کشور	۵۱۶۵	۸۷,۰۵
خارج از کشور	۷۶۶	۱۲,۹۱
نامشخص	۶	۰,۰۳
جمع	۵۹۳۷	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۹ (تعداد و درصد فراوانی محل رویداد)، محل رویداد ۸۷,۰۵ درصد اخبار حوادث و جرایم، در داخل کشور است. سهم رویدادهای خارج از کشور ۱۲,۹۱ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۱۰. تعداد و درصد فراوانی محل رویداد داخل کشور

محل رویداد داخل کشور	تعداد	درصد
تهران (شهر تهران و استان تهران)	۳۳۴۸	۶۴,۸۴
شهرستان	۱۸۱۷	۳۵,۱۵
جمع	۵۱۶۵	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۱۰، سهم رویدادهای حوادث و جرایم در تهران (استان تهران و شهر تهران) از کل کشور ۶۴,۸۴ درصد است. محل رویداد ۳۵,۱۵ درصد اخبار حوادث و جرایم در شهرستان‌ها می‌باشد.

جدول شماره ۱۱. تعداد و درصد فراوانی عکس در مطلب

عکس در مطلب	تعداد	درصد
ندارد	۱۳۱۰	۲۲,۰۷
دارد	۴۶۲۵	۷۷,۹۲
جمع	۵۹۳۵	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۱۱، ۲۲,۰۷ درصد اخبار حوادث و جرایم روزنامه‌ها، فاقد عکس می‌باشد. از مجموع ۵۹۳۵ مطلب در شش روزنامه مورد بررسی ۷۷,۹۹ درصد مطالب دارای عکس است.

جدول شماره ۱۲. تعداد و درصد فراوانی محتوای عکس

درصد	تعداد	محتوای عکس
۹,۸۴	۱۲۹	عکس صحنه حوادث
۶۳,۵۸	۸۳۳	عکس عامل جرم
۴,۹۶	۶۵	عکس ابژه جرم
۳,۸۱	۵۰	عکس عامل + ابژه جرم
۱۷,۷۸	۲۳۳	سایر
۱۰۰	۱۳۱۰	جمع

جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۳۱۰ مطلب دارای عکس در روزنامه‌ها ۶۳,۵۸ درصد عکس‌ها مربوط به عکس عاملان یا عامل جرم است. سهم عکس‌های صحنه حوادث، ۹,۸۴ درصد می‌باشد. ۴,۹۶ درصد عکس‌ها، عکس ابژه جرم در اخبار حوادث است.

جدول شماره ۱۳. تعداد و درصد فراوانی ارزش یا ارزش‌های خبری در تیتراژ

درصد	تعداد	ارزش یا ارزش‌های خبری در تیتراژ
۰,۶۵	۳۹	شهرت
۶۴,۷۷	۳۸۴۵	برخورد
۲۶,۵۸	۱۵۷۸	درب‌گیری
۵,۸۱	۳۴۵	فراوانی تعداد و مقدار
۰,۲۸	۱۷	عجیب و استثنا
۱,۵۸	۹۴	برخورد + درب‌گیری
۰,۱۰	۶	شهرت + برخورد
۰,۲۰	۱۲	شهرت + برخورد + درب‌گیری
۱۰۰	۵۹۳۶	جمع

بر اساس جدول شماره ۱۳ (تعداد و درصد فراوانی ارزش یا ارزش‌های خبری در تیتراژ)، ارزش خبری «برخورد» با ۶۴,۷۷ درصد و سپس ارزش خبری «درب‌گیری» با ۲۶,۵۸ درصد، به ترتیب بیشترین سهم را در میان تیترهای اخبار حوادث و جرایم دارند. ارزش‌های خبری «شهرت +

برخورد» با ۰,۱۰ درصد، «شهرت + برخورد + دربرگیری» با ۰,۲۰ درصد و «عجیب و استثنا» با ۰,۲۸ درصد، به ترتیب کمترین سهم را دارند.

نتیجه‌گیری

رسانه‌ها با پردازش و انتشار اخبار حوادث و جرایم و با بازنمایی و نه بازتاب، بر ساختارهای احساس جامعه تأثیر می‌گذارند، چراکه این‌گونه رویدادها عمدتاً دارای جنبه‌های عاطفی و احساسی هستند و منجر به واکنش احساسی و عاطفی خوانندگان این‌گونه خبرها می‌شوند. اخبار حوادث و جرایم تأثیرگذار و انفرادی هستند و مخاطب را به همدردی با قربانی یا قهرمان واقعه مورد نظر سوق می‌دهند. همچنین اگر این استدلال را بپذیریم که علاقمندی به یک موضوع خبری از نیاز مخاطب به شناسایی خطراتی نشأت می‌گیرد که از بیرون، فرد و خانواده را تهدید می‌کند، در آن صورت می‌توان اخبار حوادث و جرایم را مورد علاقه عامه مردم ارزیابی کرد؛ زیرا آنها این‌گونه رویدادها را یک تهدیدی برای «خود» و «خانواده» تلقی می‌کنند.

از جنبه‌ای دیگر با تأسی از روزنگرن می‌توان محتوای رسانه‌ها از جمله اخبار حوادث و جرایم را همچون شاهد و گواه جامعه تلقی کرد. بر اساس «رهیافت شاخص‌های فرهنگی»، محتوای رسانه‌ها بازتاب برخی ویژگی‌های واقعیات اجتماعی در آن لحظه معین است. بنابراین، اخبار حوادث و جرایم روزنامه‌ها را می‌توان انعکاسی از وضعیت اجتماعی و همچنین تلاش روزنامه‌ها برای جلب توجه خوانندگان و برانگیختن احساسات و عواطف آنها و نیز آگاهی از خطرات دانست. در این‌گونه خبرها، نقطه شروع آن چیزی است که توجه عموم را به خود جلب می‌کند و در تعیین مجموعه پایدار و پایایی از معیارهای خبر، نقش دارد. با بهره‌گیری از مدل ارائه خبر مک کوایل یعنی:

علاقه خبری ← معیارهای خبر ← رویداد ← گزارش خبری

و نیز *رهیافت شاخص‌های فرهنگی روزنگرن* یعنی محتوای رسانه همچون گواه جامعه، و نیز یافته‌های تحقیق می‌توان به جمع‌بندی و تحلیل زیر دست یافت:

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در میان عناوین خبری مربوط به احکام صادره برای مجرمان، حکم «اعدام» بیشترین سهم را در خبرها دارد. این هم دلالت بر اهمیت مجازاتی چون اعدام در مقایسه با سایر مجازات‌ها به لحاظ ارزش‌های خبری دارد و هم می‌تواند نشان‌دهنده دیدگاه و خواست مردم بر اجرای علنی مجازات‌ها به ویژه مجازات اعدام تحت تأثیر عناصر مختلف همچون بزرگ‌نمایی برخی جرایم در رسانه‌ها، گفتمان افراد درباره آن و ... باشد؛ زیرا با رخداد جنایتی خاص به عنوان قتل روح‌الله داداشی و به ویژه با رسانه‌ای شدن آن افراد می‌پندارند که

مجازات سنگین می‌تواند مؤلفه‌ای مهم در حذف پدیده جنایی باشد و این تقاضای همگانی همان بازگشت به مجازات‌های سختی است که سابقاً (جنبش‌های انسان مداری دادگری کیفری) در صدد تلطیف، تعدیل یا حذف آن بود (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸).

اگر جرایم اجتماعی را به ابعاد خانوادگی و غیرخانوادگی تقسیم کنیم، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جرایم خانوادگی، یعنی هم‌خانواده بودن فاعلان جرم و هم‌خانواده بودن ایزه‌های جرم و هم‌خانواده بودن فاعلان و ایزه‌های جرم، سهم نسبتاً بالایی در جرایم ارتكایی در جامعه دارند. به ویژه، در جرایمی مانند قتل و قتل+سرقت، این سهم بیشترین است. جرایم خانوادگی رویدادهای ناهنجار و غیرمتعارفی هستند که با توجه به اهمیت و اصالت خانواده در اسلام و ایران تهدیدی جدی برای این نهاد پایدار به شمار می‌روند. همچنین به لحاظ جاذبه‌های خبری و تأثیرگذاری بر ساختار احساسی جامعه، جرایم خانوادگی برای خوانندگان روزنامه جذابیت بیشتری دارند و این امر موجب می‌شود که روزنامه‌ها به ابعاد خانوادگی جرایم توجه بیشتری نمایند و آن را در اولویت قرار دهند.

در خصوص ابعاد و وجوه برجسته شده رویدادهای حوادث و جرایم، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توجه به اصل، اتفاق و رویداد یعنی چیستی واقعه، بیشترین سهم را در عناوین خبرها دارد، چرا که علایق خبری مخاطبان در درجه اول متوجه ماهیت و چیستی رویداد است و سپس به دیگر ابعاد و وجوه آن را توجه می‌کند. همچنین با توجه به ارزش‌ها و عناصر خبری، قرار دادن اصل، اتفاق و رویداد در کانون توجه، نگارش تیترو برای روزنامه‌نگاران را سریع‌تر و سهل‌تر می‌سازد. چنان‌که تحقیق نشان می‌دهد در خصوص آثار و پیامد حوادث انسانی و طبیعی، روزنامه‌ها بیشتر خسارت جانی و انسانی واقعه توجه نشان می‌دهند؛ زیرا خسارت جانی و انسانی، بر احساسات و عواطف مخاطب تأثیرگذارتر، به لحاظ ارزش‌های خبری، دارای ارزش خبری بالاتری است و نیز خسارت جانی و انسانی، پیامدی است که امکان جبران آن وجود ندارد و خلأ احساسی و عاطفی آن به شدت احساس می‌شود و عواطف و احساسات را به خود جلب می‌کند.

یکی از مهم‌ترین مضامین خبر و تهیه و تنظیم خبر، «ارزش‌ها» و «عناصر» خبری است که بکارگیری و برجستگی هریک از این عناصر و ارزش‌ها در تیترو، بر نحوه پردازش رویداد و شکل‌گیری ساخت اجتماعی و رسانه‌ای واقعت، تأثیر می‌گذارد. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که ارزش‌های خبری و «برخورد» و «دربری» و نیز عناصر خبری «چه» و «که» بالاترین سهم را در عناوین اخبار حوادث و جرایم دارند. رویدادهای حوادث و جرایم ماهیتاً دارای ارزش خبری برخورد و کشمکش در مناسبات بین انسان‌ها و نیز مناسبات انسان و طبیعت هستند و به همین خاطر بر کشش و جذابیت این‌گونه خبرها می‌افزایند.

همچنین، ارزش خبری «دربری» بیانگر آثار مادی و روانی رویدادهای حوادث و جرایم بر زندگی شهروندان در حال و آینده است و باعث توجه و برانگیختن انگیزه‌ها و علایق مخاطبان به

مطالعه این‌گونه خبرها می‌شود و می‌تواند باعث اتخاذ تمهیداتی از سوی فرد و جامعه برای مقابله با آثار این‌گونه ناملازمات باشد. برجستگی عناصر خبری «چه» و «که» در تیترها نشان می‌دهد که چیستی و ماهیت رویداد همان‌گونه که قبلاً گفته شد، مهم‌ترین وجه و بعد یک رویداد برای جلب توجه مردم و رفتن به دل رویداد است. عنصر خبری «که» عمدتاً به کنشگری دلالت می‌کند که در عناوین اخبار حوادث و جرایم برجسته می‌شود و توجه مخاطب را جلب می‌کند.

یکی از مهم‌ترین فنون و هنر فعالیت روزنامه‌نگاری برای جلب توجه مخاطب به رویدادها و موضوعات خاص، برجسته‌سازی آن موضوعات و رویدادهاست. رویدادهای حوادث و جرایم اگرچه به خاطر ژانر غالب محتوای روزنامه‌ها، یعنی سیاسی و سپس اقتصادی و اجتماعی، جز در مواردی خاص و نیز روزنامه‌های خاص، دارای تیتراژ در صفحه اول نیستند، اما در صفحه مرسوم به حوادث که عمدتاً به اخبار حوادث و جرایم اختصاص دارد، عمده تیترهای اول صفحه را به اخبار جرایم اختصاص می‌دهند. چنان‌که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۹۰ درصد تیترهای اول صفحه حوادث روزنامه‌ها مربوط به اخبار جرایم است. این‌گونه خبرها به لحاظ ارادی و غیرمتمعارف بودن، تهدید برای نظم و ثبات و اخلاقیات جامعه و نیز امنیت افراد و خانواده‌ها و همچنین جاذبه و گیرایی برای خوانندگان در صفحه حوادث برجسته می‌شوند و در جایگاه تیترهای اول قرار می‌گیرند. برجستگی گزارش‌های اخبار جرایم خشن در جدول که نمره برجستگی هر روزنامه را نشان می‌دهد، مؤید این فرض است.

در خصوص جنسیت، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان سهم بیشتری در اخبار روزنامه‌ها به عنوان سوژه و نیز ابژه جرم دارند. البته این امر ناشی از سهم مردان در رویدادهای مربوط به جرایم است که ناشی از نقش و حضور بیشتر مردان در مقایسه با زنان در حوزه عمومی زندگی است. مردان بیشتر درگیر و کشمکش‌ها و برخوردهای اجتماعی و به تبع آن جرایم و ناپهنجاری‌های اجتماعی چون قتل و سرقت و آدم‌ربایی و .. هستند. البته، خصوصیات و توانایی‌های فیزیکی و روانی مردان در این زمینه بی‌تأثیر نیست. چنان‌که زنان در مقایسه با مردان بیشتر قربانی جرایم آدم‌ربایی، تجاوز و سوءاستفاده جنسی هستند. اما شاید عامل اصلی تمایز و انتظارات نقش‌ها باشد که مردان را بیشتر متوجه بیرون و حوزه عمومی زندگی و زنان را متوجه درون و حوزه خصوصی زندگی می‌کند.

منابع

الف) فارسی

۱. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن، جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۸۴
۲. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰.
۳. مگواپر، مایک و دیگران، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، انتشارات میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹
۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم (درآمد ویراست دوم)، در: دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۰

ب) انگلیسی

5. B. Roshier, (1973), The Selection of Crime News By the Press, in S.Cohen and J.Young (eds), The Manufacture of News, 40-51, London, Constable
6. D., Graber, (1980), Crime News and the Public, New York, Praeger
7. Frank, Harris, (1932), Presentation of Crime in Newspapers, Minneapolis, Minn, Minneapolis Sociological Press, cited in F.James, Davis, Crime News in Colorado Newspapers, American Journal of Sociology, available at: <http://www.jstor.org/stable/2772636> (retrieved at: 27/05/2011)
8. G., Cumberbatch et al., (1995), Crime in the News, Television, Radio and Newspapers, A Report for BBC Broadcasting Research, Birmingham, Aston University, Communications Research Group
9. J.M., MacLatchie (ed), (1987), Insights into violence in contemporary Canadian society
10. J., Aleen, et al., (2009), The Changing Generic Location of Crime in Film, Journal of Communication, available at: [http://www.ncjrs.gov/App/publications/Abstract.aspx, id 122451](http://www.ncjrs.gov/App/publications/Abstract.aspx?id=122451) (retrieved at: 14/08/2009).
11. J.M., Carlson, (1985), Prime – Time Law Enforcement: Crime show Viewing and Attitudes to the Criminal Justice System, New York, Praeger
12. R.Ericson et al., (1991), Mass Media, Crime, Law, and Justice, British Journal of Criminology, 31:3
13. R., Sparks, (1992), Television and the Drama of Crime, Buckingham, open university Press
14. P., Deutschmann, (1959), News Page Content of Twelve Metropolitan Dailies, Cincinnati, Ohio, Scripps-Howard Research Centre
15. k., Soothill, and S., Walby, (1991), Sex Crime in the news, London, Routledge
16. Stuart, Hall, et al., (1978), Policing the Crisis: Mugging, the State and Law and Order, London, Macmillan Press
17. Williams, Paul and Dickinson, Julie, (1993), Fear of crime: read all about it? Brit.j. criminal., Vol 33, No 1, Winter